



ویژگی های معلم تربیت دینی از منظر اسلام

سینا مومن زاده فیروزآبادی^۱

۱- کارشناسی آموزش الهیات و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم قرآنی میبد (نویسنده مسئول)

(s.momenzadeh80@gmail.com)

۰۹۱۰۳۳۷۹۸۳۶

چکیده

معلمان در امر مهم آموزش و تربیت نیازمند ویژگی ها و خصائصی هستند که آن ها را در این امر یاری دهد. از منظر اسلام، تربیت دینی که از اهمیت والایی در انواع تربیت برخوردار است، معلمان و مربیان این نوع از تربیت باید دارای صفات و ویژگی های اعلی و برتر باشند. هدف این پژوهش، بررسی ویژگی های معلم تربیت دینی از منظر اسلام است که به روش مطالعه و تحقیق کتابخانه ای و انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که معلمان تربیت دینی باید دارای دو نوع از ویژگی های عام و خاص باشند. ویژگی های عام شامل: منزلت و شخصیت والا، خلوص نیت، صلاحیت علمی، ادامه تحصیل و تداوم یادگیری، فروتنی و بی تکلف بودن، عشق به تعلیم و تربیت و سعه صدر می باشد. این صفات باید در تمام معلمان و مربیان به خصوص معلمان تربیت دینی وجود داشته باشد. ویژگی های خاص شامل: آموزش و شناسایی معارف دین، ایمان آفرینی، تسلط به شیوه مناسب در بیان آموزه های دینی، آمادگی قلبی برای پاسخ مناسب به پرسش ها و شبهات دینی و هماهنگی در گفتار و رفتار می باشد که باید معلم دینی آن ها را دارا باشد.

واژگان کلیدی: معلم، ویژگی، تربیت دینی، ویژگی های عام و خاص

مقدمه

اقرأ باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقرأ وربك الاكرم، الذي علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم. (علق: ۱-۵)
بخوان به نام پروردگارت که جهانیان را آفرید. انسان را از خون بسته سرشت بخوان! و پروردگارت کریمترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی دانست.

معلمی در قرآن به عنوان جلوه ای از قدرت لا یزال الهی، نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی دانسته شده است و در نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است:

در این آیات خداوند، خود را «معلم» می خواند و جالب این که معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده ترین و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان آورده است. مقام معلم بودن را خدا، بعد از آفرینش قرارداد. نوعی انسانی را که هیچ نمی دانست، به وسیله قلم آموزش داد که این از اوج خلاقیت و هنر شگفت خداوند در امر آفرینش حکایت دارد. از این رو، می توان گفت که هنر شگفت معلمی از آن خداوند عالم است.

در جامعه انسانی اساسی ترین کار تعلیم و تربیت است و کسی که این رسالت را به دوش می کشد معلم است معلمی به هرگونه تلاشی که برای هدایت تکامل و آموزش انسانی صورت بگیرد اطلاق می شود. تعلیم و تربیت از شئون الهی است و خداوند این موهبت را به اولیای پاک خود عنایت فرموده است تا بشر را هدایت گر باشند از این رو دغدغه معلم همیشه این است که حیات بشر بر مدار ارزش ها و کرامت انسانی بچرخد و شناخت خدا و مکتب و دین همت اساسی آدمی باشد و هیچ بیگانه ای را مجال تجاوز به فرهنگ ارزشی دین و میهن فراهم نیاید.

یکی از مسائل مهم بشر در تمام طول تاریخ، تعلیم و تربیت نسل جوان و آماده سازی برای ورود به جامعه بوده است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۷: ۱۳). همواره یکی از نظام های مهم هر کشوری، نظام آموزش و پرورش آن است که رسالت انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل های بعد و ایجاد تغییرات مطلوب در شناخت آنان را بر عهده دارد (صافی، ۱۳۹۵: ۲). از آنجا که انسان موجودی اثر گذار، اثر پذیر و دارای نیروی اختیار انتخاب و اراده است، بنابراین برای شکوفایی و به فعلیت رسیدن قوا و استعدادهایش نیاز به تربیت دارد. در میان انواع تربیت، تربیت دینی حائز اهمیت فراوان است؛ زیرا از سویی سرشار از معارف و آموزه های الهی است و از سوی دیگر برای تمام ابعاد وجودی انسان برنامه دارد و در ساختن شخصیت انسان منحصر به فرد است. تنها تربیت دینی است که می تواند نیازهای مختلف او را برآورده و زمینه تکامل همه جانبه او به ویژه در بعد معنوی و الهی را فراهم کند. این تربیت مهم و معتبر است که باید در مدارس بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد (باواخانی و میرشاه جعفری، ۱۳۹۴).

تربیت دینی به معنای به فعلیت رساندن کمالات معنوی بالقوه در مرتبی است. به بیان دیگر، تربیت دینی عبارت است از ایجاد تغییر تدریجی در مرتبی برای سیر از بودن به شدن یا انتقال از وضعیت بالقوه به بالفعل بر اساس اهداف و ارزش های دینی در هر یک از ابعاد یا ساحت های بدنی، شناختی، عاطفی و رفتاری (ساجدی، ۱۳۸۸). این نوع تربیت مستلزم فعالیت های نظام مند و برنامه ریزی شده نهادهای آموزشی جامعه است. به منظور آموزش بینشی، منشی و قالب های دینی به افراد به گونه ای که در عمل نیز به آن ها پایبند باشند (داوودی و اعرافی، ۱۳۹۴).



مکتب اسلام برای تعلیم و تربیت جایگاهی والا قائل است. در میان همه عوامل تربیتی، نقش معلم به عنوان مهم ترین عامل نظام تعلیم و تربیت، در چگونگی هدایت و یادگیری فراگیران بسیار بارز و قابل توجه است. معلم متعهد با صاحبان مشاغل دیگر متفاوت است. او به فراگیران تنها اطلاعات انتقال نمی دهد، بلکه آموزگار الگوی آنان و مسئول پرورش استعدادهای علمی و معنوی آنان است. نهضت تربیتی اسلام در عرصه تدریس و تعلیم، به ساختن معلمان شایسته، خلاق و برخوردار از فضیلت توجه نموده است. از دیدگاه تعلیم دینی، جایگاه معلمی در نظام اسلام، منصبی الهی است و معلم عهده دار مسئولیت های الهی و در پی تحقق آنهاست (بانکیپور فرد و محققیان، ۱۳۹۳: ۱۲). مصداق جامع مربیان حقیقی و پرورش دهندگان نهال وجودی انسان، پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) و انبیاء و اولیای الهی هستند که الگوی اصیل تربیتی برای همه معلمان به شمار می آیند.

یک معلم برای موفقیت در تربیت دینی دانش آموزان باید تربیت را از خود شروع کند. ابتدا خودش نسبت به دین اسلام شناخت کافی و سپس علاقه پیدا کند، سپس ایمان و روحیه تسلیم را در خود قوی و اعتقادش را کامل کند. مسلم است که هرگاه شناخت با علاقه همراه شود، انگیزه برای رفع رذایل و به دست آوردن فضایل اخلاقی، فراهم می شود. اینجاست که اخلاق او حسنه می شود و نسبت به انجام دستورات الهی مقید می گردد (نقدی آستمال، ۱۳۹۶).

مربیان دینی در سراسر جهان از نظر صلاحیت ها تفاوت بیش تری نسبت به معلمان موضوعات غیر دینی دارند. در بین مربیان دینی، افرادی با مدارک دانشگاهی در رشته های الهیات و روش های تدریس (تربیت معلم) تا کسانی که هیچ دوره تربیت معلم نگذرانده اند و فقط اطلاعات کمی درباره دین دارند، دیده می شوند. به نظر می رسد این گوناگونی عوامل چندی دارد: اول آن که آموزش دینی نسبت به آموزش و پرورش غیر دینی به شیوه های متنوع تری انجام می گیرد. دوم آن که دولت ها معمولاً بر آموزش غیر دینی بیش از آموزش دینی نظارت می کنند. یکی از عوامل این مسأله آن است که سیاست آزادی عقاید دینی بسیار رایج تر از سیاست آزادی در تربیت غیر دینی است. در حالی که دولت ها عموماً مواد درسی لازم برای تدریس را مشخص می کنند. سوم آن که درباره مواد تشکیل دهنده تربیت معلم در مسائل غیر دینی توافق بیش تری وجود دارد تا مسائل دینی. به عبارت دیگر، معلمان درباره محتوا و فنی که در آموزش موضوعاتی مثل جغرافیا، فیزیک یا موسیقی ضرورت دارد توافق بیش تری دارند تا آنچه در آموزش اصول دین ضروری است (نشریه معرفت، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، جلد ۳۴ ص ۲).

شخصیت معلم دینی باید به گونه ای باشد که اثر و نتیجه نهایی آموزش های دینی را دیده و تجربه کند و به اصالت و حقانیت و برتری آن تعلیم پی برد. حقیقت این است که شخصیت معلم دینی باید چنان باشد که دیگران و بخصوص آنان که در دل غرض و مرض ندارند آرزوی شبیه ساختن خود به او را داشته باشند و این زمانی امکان پذیر است که معلم دینی در جمع معلمان شخصیتی برجسته و ممتاز داشته باشد و به اصطلاح از نظر شخصیت یک سر و گردن از دیگران بلندتر باشد و این درس را ما از زندگی انبیاء و اولیاء آموخته ایم.

پس یک معلم دینی خوب باید مجموعه صفاتی را در خود ایجاد کند که علاوه بر اینکه شامل صفات معلمان غیر دینی می شود، ویژگی های معلمان تربیت دینی را نیز شامل شود. بنابراین در این پژوهش، به مجموعه صفات و ویژگی های یک معلم دینی که لازمه تدریس و جذب یادگیرنده است، از منظر اسلام پرداخته شده است.

روش تحقیق

این تحقیق بنابر موضوع « ویژگی های معلم تربیت دینی از منظر اسلام »، بر اساس تحقیق و مطالعات کتابخانه ای و به صورت فیش برداری انجام شده است؛ جامعه آماری و منابع مورد مطالعه در این تحقیق، قرآن کریم، روایات و سیره پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم و سایر روایات معتبر دینی است؛ همچنین در کنار این موارد، منابعی که به این تحقیق در در پیشبرد اهداف خود کمک شایانی می کردند نیز مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین آیات و روایات مرتبط با موضوع تحقیق شناسایی شده و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

بحث درباره یافته ها

۱- ویژگی های عام

۱-۱ منزلت و شخصیت والا

معلمی ارجمندترین مشاغل است و نباید این ارزشمندی را با سنجه های مادی و عادی سنجید. معلم نه فقط خود باید ارجمند باشد بلکه بکوشد به نگاه جامعه نیز احترام بگذارد و فراتر از شخص به شخصیت خویش معطوف شود تا این نگاه را که مردم خوبی ها و شایستگی ها و حتی شایستگان را در تراز وجود او می سنجد حرمت گذاری نماید و از این نگاه پاسداری کند (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۶). معلم نه فقط به اقتضای شغل خویش حتی در مقام مرجعیت علمی و اجتماعی خویش نزدیک ترین ها به پیامبران هستند. به دیگر سخن معلم نه تنها در قامت تربیت و حضور در ساحت کتاب و



کلاس قربایت با پیامبران دارد بلکه در جایگاه دانای جامعه و محل مراجعه اجتماعی در قامت یک عنصر اجتماعی از نزدیکان پیامبران بشمار می آیند. (حکمت ۲۳۲)

مقام معلم، مقام والایی است و چنین است که وارثان انبیا شمرده می شوند. چنانچه امام صادق(ع) فرموده اند: «ان العلماء ورثة الانبیا»؛ یعنی دانشمندان وارثان پیامبرانند. جایگاه و شأن معلم و استاد تا بدان جاست که رسول الله (ص) در کلامی به امام علی (ع) فرموده اند: «یا علی اگر یک فرد بوسیله تو و (بمدد الهی) طریق هدایت را باز یابد و به حق رهنمون گردد پرارزشتتر و بهتر از آن است که مالک شتران سرخ موی فراوان باشی.» (علاء الدین، ۱۳۸۸، ص ۲۲). امام خمینی (ره) درباره اهمیت شغل مربی گری و معلمی می فرمایند: «شما معلمین یک شغل بسیار شریف دارید، که همان شغل «الله» است، همان شغل انبیا است و یک مسئولیت بسیار بزرگ دارید که همان مسئولیت انبیا است، منتها انبیا از مسئولیت بیرون می آیند برای این که عمل می کنند به آنچه فرموده اند، به آنچه مامور هستند، ما ها هم باید عمل بکنیم.» (امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۲۴۰)

حال به گوشه ای از فداکاری معلم و جایگاه او در سخنان شهید ثانی می پردازیم. معلم، استاد و مودب است، انسانی که می خواهد در سایه تعلیم و تربیت به حد کمال نسی خود رسیده و برنامه ی احوال خود را به دیگران منتقل سازد تا دارای جانشینانی گردد، وی شئون حیات و زندگی شاگردان را اداره می کند، باید از اسلوب صحیح برای سودمند ساختن آنها استفاده نماید(حجتی، ۱۳۶۵: ۱۶۱) شهید مطهری نیز چنان برای معلمان و مقام ارجمند آنان ارزش قائل بود که در دعاهایش می فرمود: «اللهم اغفر للمعلمین و اطل اعمارهم و بارک لهم فی کسبهم؛ خداوند! معلمان را بیامرز و عمر طولانی به آنان عطا فرما و کسب و کارشان را مبارک گردان!»

آری، معلمی از خصوصیات انبیا و از صفات محبوب آنان می باشد. در مقام پاسداشت از تلاش های معلمان سخنی بالاتر و زیباتر از کلام مولای متقیان، حضرت علی(ع) نمی توان یافت که فرمود: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً» (نراقی، ۱۲۰۹ق: ص ۱۴۱) کسی که به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده خود کرده است. البته این شرافت و فضیلت برای معلم، زمانی ارزشمند است که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و با تمام وجود در جهت کمال جامعه به تعلیم و تربیت بپردازد. آیت الله مظاهری در کتاب ویژگی های معلم خوب می فرمایند که شرط اول آن است که معلم قدر خود را بداند و منزلت خویش را بشناسد؛ یعنی مواظب باشد تا اول خود را ارزان نفروشد؛ ثانیاً احساس مسئولیت کند، چون قدر و منزلت هر چه بالاتر باشد مسئولیت سنگین تر است(مظاهری، ۱۳۷۱: ۱۱)

۲-۱ خلوص نیت

از دیدگاه کلام وحی، جاودانگی هر عملی نیاز به خلوص نیت دارد و بدون این ویژگی اعمال افراد ارزش واقعی نخواهد داشت: «فمن کان یرجو لقاء ربّه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرک بعباده ربّه احداً» (کهف - ۱۱۰) هر که برای وصول به لطف و رحمت پروردگارش امیدوار است، باید کاری شایسته (با خلوص نیت) انجام دهد، و هیچ کس و هیچ چیز را در عبادت پروردگارش شریک نکند!»

بنابراین لازمه توفیق در عرصه تعلیم، خالص بودن نیت است و یک معلم شایسته در آموزش متعلمین خود فقط و فقط به خاطر خدا انجام وظیفه می کند. امام صادق (ع) فرمود: «المعلم لا یعلم بالاجر و یقبل الهدیه اذا اهدی الیه» (حر عاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۱۷: ص ۱۵۶) معلم به خاطر مزد درس نمی دهد، هرگاه هدیه ای به او دادند، آن را می پذیرد. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «اِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَاَعْمَلْ لِلّٰهِ خَالِصًا لِانَّهُ لَا یَقْبَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْاَعْمَالِ اِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا؛ هرگاه عملی انجام دادی، پس برای خدا خالصانه انجام بده؛ زیرا خداوند فقط اعمالی را از بندگان می پذیرد که خالصانه انجام شده باشد.» (محمدری شهری، ص ۵۲۰، روایت ۶۳۲۲)

آثار و فواید اخلاص

الف بصیرت و نورانیت دل

رسول خدا(ص) فرمود: «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ بِنَائِبُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ؛ هیچ بنده ای چهل روز متوالی قدم در وادی اخلاص ننهد جز آنکه چشمه های حکمت و معرفت از قلبش بر زبان او جاری می شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۴۲)

ب خضوع تمام ماسوی الله در برابر انسان مخلص

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَخْشَعَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ يَهَابَهُ كُلُّ شَيْءٍ ثُمَّ قَالَ: إِذَا كَانَ مُخْلِصًا لِلَّهِ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامُّ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُهَا وَ طَيْرُ السَّمَاءِ؛ بی تردید، هر چیز در برابر مؤمن خاشع و خاضع است و همه چیز از او هیبت دارد. چنانچه بنده مخلص باشد خداوند ترس او را در دل همه چیز حتی حشرات زمین و پرندگان آسمان قرار می دهد.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۴۸، حدیث ۲۱)

ج کفایت امر و درمانده نشدن در کارها



«قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَا أَطْلِعُ عَلَى قَلْبٍ عَبْدٍ فَأَعْلَمُ مِنْهُ حُبَّ الْإِخْلَاصِ لِطَاعَتِي وَلَوْجْهِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيمَهُ وَ سَيَّاسَتَهُ؛ هرگاه دل بندهام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعتم را به جا می‌آورد، اصلاح و تربیت او را خود به عهده گیرم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۲، ص ۱۳۶، حدیث)

د) بالا رفتن اعمال و قبولی آن

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ اخْلُصُوا أَعْمَالَكُمْ لِلَّهِ تَعَالَى فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ إِلَّا مَا خُلِّصَ لَهُ؛ ای مردم! اعمالتان را برای خدای متعال خالص کنید زیرا خدا عملی را می‌پذیرد که فقط برای او باشد.» (القرطبی، ج ۵، ص ۱۸۰ ذیل آیه ۳۶ سوره نساء)

۳-۱ صلاحیت علمی

بدون علم و آگاهی هرگز کاری سامان نمی‌یابد و دانستن راه و روش تعلیم از اساسی ترین شرط های شغل معلمی است. امام علی (ع) می‌فرماید: «ما اخذ الله على أهل الجهل ان يتعلموا حتى اخذ على أهل العلم ان يعلموا» خدا از مردم نادان عهد نگرفت که بیاموزند، تا آن که از دانایان عهد گرفت که آموزش دهند (حکمت ۴۷۸) (دشتی، ۱۳۸۹: ۵۳۰). امام علی (ع) با توجه به نقش رفتار و گفتار انسان در تربیت افراد، درباره خودسازی مریبان، قبل از شروع فعالیت آموزشی و تربیتی شان می‌فرمایند: هر که خود را پیشوای مردم خواهد، باید که پیش از ادب کردن دیگران به ادب کردن خود بپردازد؛ و باید که ادب کردن دیگران به کردار باشد، نه به گفتار. کسی که آموزگار و ادب کننده خویش است، سزاوارتر به تعظیم است از آنکه آموزگار و ادب کننده ی مردم است نهج البلاغه، حکمت ۷۰).

کسی که می‌خواهد عهده دار منصب تعلیم گردد باید قبلاً مراتب صلاحیت و شایستگی خویش را برای تصدی چنین مقامی در خود فراهم آورد. و باید این شایستگی، در تمام مظاهر وجود او پدیدار باشد، یعنی سیما و چهره و طرز سخن گفتن و گفتارش، نمایانگر اهلیت و شایستگی او برای احراز مقام تعلیم بوده، و اساتید صالح وی نیز صلاحیت او را تأیید و گواهی کنند (حجتی، ۱۳۶۹: ۲۲۸). آموزش و پرورش در ابتدا وظیفه تربیت معلمان را بر عهده دارد. معلمان باید دارای تخصص و قدرت و مدیریت کلاس درس و داشتن علم کافی در رشته مورد تدریس باشند. دنیای امروز بر مدیریت و تربیت معلمان متخصص تأکید زیادی دارد. تاسیس دانشگاه های تربیت معلم و تربیت مدرس از جمله اقدامات جامعه برای تحویل یک معلم متخصص است. اسلام هم این کار را تأیید نموده و می‌فرماید: «من تقدم على قوم وفيهم افضل منه خان الله و رسوله و المومنين؛ اگر کسی کاری را قبول کند، درحالی که فردی افضل از او است، نه فقط به جامعه خود، بلکه به خدا و رسول خدا و مومنین خیانت نموده است.» این جمله یعنی تأیید مدیریت و مفهوم آن این است که هرکس کاری را قبول می‌کند می‌بایست در آن کار مدیر و متخصص باشد (مظاهری، ۱۳۷۱: ۷۰).

مربی اگر فاقد معلومات لازم و کافی باشد به متریان و افراد جامعه زیان می‌رساند و حتی آنان را در معرض اشتباه و لغزش های تربیتی و علمی قرار می‌دهد و اعتماد افراد و متریان را نیز از دست می‌دهد و به اصطلاح عمر آنان را ضایع می‌سازد. بدیهی است که چنین مربی قادر به انجام وظیفه خطیر تعلیم و تربیت احسن و موفقیت آمیز نخواهد بود. در چنین شرایطی ممکن است یک مربی با مواجه شدن با سؤالات و شبهات متریان، در شک و تردید گرفتار شود. بنابراین، باید معلومات وسیعی داشته باشد تا پاسخگوی سؤالات و شبهات آنان باشد (کهوکه، ۱۳۸۴).

بدون علم و تخصص کافی، هرگز امر تعلیم و تعلم ممکن نخواهد شد. حرفه معلمی هم چنانکه از اسمش پیداست انتقال علم و دانشی است که در وجودش نهفته است. هر کس که بدون کسب صلاحیت لازم بخواهد به امر تعلیم و تعلم بپردازد علاوه بر اینکه موجبات خواری و ذلت خود را فراهم خواهد می‌آورد، لطمات جبران ناپذیری نیز به جامعه وارد خواهد کرد. آموزش و پرورش ما در بسیاری از موارد کسانی را در سمت معلم دینی به کار گماشته که به علت ناپختگی و رفتار نامناسب و نیز، عدم بینش و شناخت کافی از دین موجبات یأس، افسردگی و نفرت دانش آموزان را نسبت به مسائل دینی فراهم آورده است. (نساجی زواره، ۱۳۸۸)

۴-۱ ادامه تحصیل و تدوام یادگیری

آموزش، مترادف سازندگی و تحول است و موجب ارتقای توانمندی های نیروی انسانی می‌شود. آموزش جریانی است که افراد طی آن آگاهی ها، مهارت ها و گرایش های مناسب برای ایفای نقش را در موقعیت ها فرا می‌گیرند. آموزش باعث ارتقای قدرت درک، تجزیه و تحلیل، شناخت، بینش و بصیرت، برای انجام وظایف محوله و نیز رویارویی با چالش های جدید شغلی می‌شود.

«وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا؛ پروردگارا، دانش مرا بیفز» (طه - ۱۱۴) یعنی چه؟ یعنی پیغمبر اگر می‌خواهی مردم را هدایت کنی، باید روز به روز سوادت افزایش پیدا کند. این کلمه فارغ التحصیل را به کسی نگویید، کسی و انسانی فارغ نمی‌شود. ما روی کره‌ی زمین و در هیچ زمانی، فارغ التحصیل نداشته‌ایم. فارغ التحصیل حرف غلطی است. باسواد بشویم. هفته‌ای یک کتاب مطالعه کنیم. نگذارید، آموزش ضمن خدمت بیاید و با عمل سزارین یک کتاب به ما تحمیل کند. خودمان باید، باسواد باشیم. پیغمبر فرمود شبی اگر من بخوابم و علمم اضافه نشود، آن روز برای من برکت ندارد. امام



صادق (ع) فرمود اگر هفته‌ای بر عمر ما بگذرد که علم ما زیاد نشود، آن هفته «لنفد ما عندنا» یعنی ما به روغن سوزی می‌افتیم. هر شب جمعه باید علم ما زیاد بشود. پیغمبر (ص) فرمود: هر شب باید علم ما زیاد بشود. هفته‌ای یک کتاب مطالعه کنید (قرائتی، ۱۳۹۴: ص ۸۸) در نظام آموزشی، از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار (بدون نادیده گرفتن تأثیر سایر عوامل) کیفیت تربیت، کارآیی و کفایت کسانی است که در سمت معلم، کارگردان اصلی صحنه های تعلیم و تربیت هستند. این اهمیت به حدی است که باید اذعان کرد: «هیچ تعلیم و تربیتی نمی تواند فراتر از سطح توان معلمان خود پیشرفت کند.» بدین لحاظ در راستای تقویت و تثبیت یادگیری مداوم، باید نقش معلم متحول شود؛ چنین تحولی مدیون چهار اقدام اساسی: ۱. توجه به انتخاب و استخدام معلمان و معیارهای اصولی آن ۲. اصلاح آموزش معلمان (تربیت معلم) و توجه خاص به آموزش های ضمن خدمت آنان ۳. ایجاد نظام شایستگی معلمان ۴. ایجاد شرایط و امکانات پژوهشی برای معلمان علاقه مند است (نفیسی، ۱۳۷۶: ۴۸). عوامل چهارگانه فوق، به طور نظام مند بر کارآیی و کیفیت معلمان اثر می گذارد. دگرگونی های نظام آموزشی، گسترش و تنوع رشته ها و موضوعات درسی، مشاغل و حرف، تحول در روش های تدریس و کتب درسی، تحول در شیوه های ارزشیابی و غیره، از جمله دلایلی است که ایجاب می کند کارگزاران نظام آموزشی، به ویژه معلمان، تحت دوره های آموزش علمی، سیستماتیک و هدفمند قرار گیرند. نتایج و ثمرات این اقدام بر فرآیند تدریس اثر خواهد گذاشت و به توسعه و گسترش رفتارهای جدید دانش آموزان کمک خواهد کرد. توجه به تربیت معلم و نیز دوره های کارآموزی و بازآموزی آنان، به انحراف مختلف و آشنا کردن معلمان با تحولات و گسترش دانش، توانش و نگرش آنان نسبت به ابعاد گوناگون فرآیند آموزش و یادگیری به مثابه با ارزش شمردن توانایی های بالقوه و عملی آنان در حوزه تعلیم و تربیت است. به عبارتی، پرورش روح یادگیری مداوم در نظام آموزشی، مستلزم معلمانی است که شوق آموختن و یادگیری در وجود آنان شعله ور است. بصیرت حرفه ای دارند و می توانند مهارت ها و توانایی های خود را به منصفه ظهور رسانند و تأثیری نگرشی و علمی بر دانش آموزان داشته باشند. بنابراین برای تمام دبیران و معلمان، به خصوص دبیر دینی، برای تحقق اهداف آموزشی خود باید به معلومات و اطلاعات دینی و غیر دینی خود اضافه کرده و در هر زمان در حال یادگیری مداوم باشد.

یکی از ملزومات معلمی در ارتباط با محتوا و مواد درسی، «به روز» بودن اطلاعات علمی معلم می باشد. از آن جایی که ما در قرن انفجار دانش و اطلاعات به سر می بریم به این معنی که دانش و اطلاعات موجود به سرعت بلا استفاده و کهنه می گردند و هر روز دانش جدیدی جایگزین دانش قبلی می گردد، وظیفه همه مربیان است که متناسب با پیشرفت دانش و اطلاعات در سطح بین المللی، سطح دانش و معرفت خود را به پیش ببرند و اطلاعات خود را «به روز» نمایند. معلم و مربی امروز باید به این نکته توجه داشته باشد که نمی تواند با علم دیروز دانش آموزان را برای فردا تربیت نماید. چون علم دیروز برای امروز و یا فردا کارایی لازم را ندارد، پس نیازمند آن است که اطلاعات علمی خود را تازه و نو نماید. از دیگر زمینه های مناسب برای معلم در جهت به روز در آوردن اطلاعات خود، شرکت در کلاس های ضمن خدمت می باشد. آموزشهای ضمن خدمت از آن جایی که از ویژگی هایی مانند «تناسب با شرایط روز» برخوردار می باشند می توانند تأثیر زیادی بر روی اطلاعات علمی معلمان و تازه و نو نمودن آنها داشته باشند. نقیب زاده، ۱۳۸۶)

۵-۱ فروتنی و بی تکلف بودن

از دیدگاه قرآن، از ویژگی های معلم موفق، تواضع و فروتنی آنان در مقابل دیگران است. خداوند متعال در مورد خصلت زیبای تواضع به سخن دیگر از مربیان شایسته جهان بشریت، حضرت لقمان اشاره کرده می فرماید: «و لاتصغر خدک للناس ولا تمش فی الارض مرحاً ان الله لایحب کل مختال فخور (لقمان - ۸)؛ با بی اعتنائی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.» همچنین خداوند به پیامبر خود می فرماید: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ و پر و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر» (شعرا - ۲۱۵).

علی (ع) نیز فرمود: «من تواضع للمتعلمین و ذل للعلماء ساد بعلمه (مجلسی، ۱۴۰۳ق ج ۷۵: ص ۶) هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین دست به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می رسد.»

معلم باید بی تکلف باشد. یک روزنامه بیاندازد و رویش بنشیند. گیر فرش و قالی مبلمان نباشد. بی تکلف باشد. این ها روی شاگرد ها اثر می گذارد. اگر معلم یک دستمالی باز کرد و کتابش را از درون دستمال درآورد و خواند، دیگر بچه ها برای نداشتن کیف گریه نمی کنند که باید کیف باشد و نمی دانم کیف نو و کیف چرمی و چنین و چنان! معلم اگر لباس ساده بپوشد، شاگرد یاد می گیرد (قرائتی، ۱۳۹۴: ص ۸۸) یکی از ویژگی های شخصیتی معلم تأثیر گذار بر تربیت دینی کودک و نوجوان، ویژگی های ظاهری مربی می باشد. ویژگی های ظاهری مربی به دلیل عینی بودن، محسوس بودن و قابل مشاهده بودن از تأثیر عمیقی بر شخصیت فراگیران برخوردار می باشد. اگر به این نکته توجه شود که بیشترین درصد یادگیری از طریق حس بینایی فرد انجام می پذیرد، اهمیت این موضوع بیشتر آشکار می گردد. این که معلم و وضعیت ظاهری او چگونه باشد، نوع لباسی که می پوشد.



رنگ لباس هایی که می پوشد، خوش برخورد و خوش مشرب بودن او ، خنده رو بودن یا عبوس بودن او می تواند در فرایند تعلیم و تربیت فراگیر تأثیر داشته باشد. (شرفی، ۱۳۸۶)

در این زمینه، امام صادق(ع) حدیثی را به نقل از امام علی(ع) فرموده اند: «إِنَّ لِلْعَالَمِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: الْعِلْمُ وَالْحِلْمُ وَالصَّمْتُ؛ دانشمند واقعی دارای سه نشانه است: ۱۰ دانش و بینش، ۲۰ حلم و بردباری و ۳۰ سکوت و آرامش و وقار» (حجتی، ۱۳۹۶: ۲۳۷ به نقل از شهید ثانی، ۱۴۲۷). حضرت عیسی(ع) نیز فرموده اند: «علم و حکمت با عامل تواضع و فروتنی سامان می یابد و آباد می گردد نه با تکبر و خودبزرگ بینی؛ و بدین سان، زراعت در زمین نرم و هموار می روید نه کوه ها» (حجتی، ۱۳۹۶: ۲۳۷ به نقل از شهید ثانی، ۱۴۰۹).

پس یکی از نکاتی که برای معلم لازم است و حکایت از شخصیت سالم او دارد، فروتنی و داشتن رفتار صحیح در برخورد با یادگیرنده است؛ رعایت احترام متعلم و برخورد متواضعانه با او و عدم تکبر و غرور معلم، درس عملی مهمی است که او به یادگیرنده می دهد.

۶-۱ عشق به تعلیم و تربیت

یک معلم خوب عاشق کار خودش است و چون تعلیم و تربیت را یک کار مقدس و الهی می داند به بهترین شکل ممکن و متعهدانه آن را انجام می دهد. علاوه بر عشق و علاقه به تدریس، معلم موفق و برتر دروسی را که تدریس می کند را هم با علاقه انتخاب می نماید. به عنوان مثال مسلماً یک معلم ریاضی خوب و عالی نه تنها به تدریس و معلمی علاقه دارد بلکه عاشق تدریس ریاضی و درس ریاضی هم می باشد. مربی و معلم حقیقی همواره به کار خود عشق می ورزد و هرگز جایگاه مقدس تعلیم و تربیت را وسیله ای برای رسیدن به مطامع دنیوی قرار نمی دهد. این ویژگی در معلمان موجب می شود هیچ گاه در امر تعلیم شاگردان کم کاری نکنند، به همین جهت دغدغه مندانه به آموزش آنها مبادرت می ورزند، این ویژگی ممتاز را خدای متعال در خصوص برترین پیامبر خود که نمونه بارز یک معلم شایسته است این چنین به کار برده است: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه، آیه ۱۲۸)؛ یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است.

معلم عاشق، کسی است که به تمامیت خود و همچنین توانمندسازی همه مردم متعهد است. او دانش آموزان را تشویق می کند تا آنچه هستند بپذیرند و از طریق وی می آموزند به خودشان عشق بورزند. معلم عاشق معلمی پر از روح امید است. از سرخوردگی که او را بی مصرف و بی حرکت می کند عبور خواهد کرد و به زیبایی عمل آموزش مفتخر است. این زیبایی شکننده است و اگر از مبارزه و دانشی که باید آموزش دهد پاسداری نکند، ممکن است از بین برود.

تأثیرپذیری دانش آموزان از تدریس خوب معلم نشان می دهد که عشق در کلام و رفتار معلم در روح و ذهن دانش آموز رسوخ می کند؛ به عبارت دیگر عشق معلم به تدریس و معلمی، عشق را در وجود دانش آموز به جریان می اندازد. تدریس مبتنی بر عشق را نه یک نیروی سیاسی بلکه راهبردی معنوی می داند که از نظر دامنه و کاربرد بسیار گسترده است. به باور وی، تعلیم و تربیت عاشقانه پایه و اساس تغییرات بنیادین در دانش آموزان است. آنچه در تدریس مبتنی بر عشق اهمیت دارد تکرار مکانیکی این یا آن حالت نیست، بلکه درک ارزش احساسات، عواطف و آرزوهاست. هنگامی که معلمی با عشق آموزش دهد، در یک سطح عاطفی خود را در پرورش و تقویت رشد دانش آموزان خود شریک می کند. این تمایل به عشق ورزیدن به دانش آموزان، چیزی که بسیاری از آنها از آن محروم شده اند، یکی از اجزای ضروری در موفقیت آنان است. فریره در تمام طول زندگی اش بر این باور بود که هر معلم باید اشتیاق و عشق به تدریس داشته باشد. کلاس درس برای دانش آموزان، مکانی است که عشق ورزیدن و تبدیل شدن به زندگی پرشورتر و مثبت تری را تجربه می کنند. برای معلم نیز، کلاس درس جایی است که می تواند عشق بورزد و بیاموزد که تمام جنبه های مختلف خود و دیگران را دوست داشته باشد. شهید رجایی به معلمی عشق می ورزید و همچنین می گفت: معلمی شغل نیست؛ عشق است. اگر به عنوان شغل انتخابش کرده ای، رهایش کن و اگر عشق توست، مبارکت باد.

۷-۱ سعه صدر

خداوند متعال در آیات یک تا چهار سورة انشراح به سعه صدر اشاره نموده است و میفرماید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ؛ آیا ما سینه تو را گشاده نساختم؟ و بار سنگین را از تو برداشتیم؟ همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد، و آوازه تو را بلند کردیم». همچنین، خداوند متعال در آیات ۲۵ تا ۲۸ سورة طه از قول حضرت موسی(ع) آنگاه که خداوند به وی دستور داد به سوی فرعون برود، فرموده است: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي؛ عرض کرد پروردگارا سینه مرا گشاده دار، کار مرا بر من آسان گردان، و گره از زبانم بگشا، تا سخنان مرا بفهمند».



شکیبایی و داشتن سعه صدر از دیگر خصوصیات هدایتگران و معلمان است. تعلیم و تربیت کار آسانی نیست، مسئولیتی بس دشوار است که هرکس توان پذیرفتن آن را ندارد. کار آموزش صبر، تحمل و شرح صدر می خواهد، یعنی ظرفیت روحی بسیار بلند و تحمل بسیار زیاد (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۵۶). امام علی (ع) می فرماید «مَنْ ضَاقَ صَدْرُهُ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى آدَاءِ حَقِّ» «هرکسی دارای سینه تنگ باشد، تحمل ادای فریضه حق را نخواهد داشت» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۰/۱۷۸). همچنین حضرت علی می فرمایند: «أَلَّهُ الرَّئَاسَةُ سَعَةً الصَّدِّ؛ کسی که مسئولیت می پذیرد باید سعه صدر داشته باشد» (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۲: ۱/۳۳۴).

یکی دیگر از ویژگی های شخصیتی معلم که بر جریان تربیت دینی فراگیران تأثیر می گذارد، «میزان و نحوه تعصب معلم نسبت به دین و امور دینی» می باشد. در فرایند تربیت دینی مربی باید از هر گونه افراط و تفریط در تعصب نسبت به مفاهیم و معارف دینی پرهیز نماید و همواره سعه صدر داشته باشد. در مقدس و قابل احترام بودن دین به عنوان یک پدیده آسمانی و الهی هیچ شکی نیست. اما اگر مربی در فرایند تربیت دینی کودکان و نوجوانان نسبت به معارف دینی و مفاهیم و مقولات دینی تعصب افراطی و غیر معقولانه ای داشته باشد و از طرح سؤالات گوناگون نسبت به دین و معارف دینی توسط دانش آموز جلوگیری نماید یا از پاسخ گویی به سؤالات دانش آموزان خودداری نماید علاوه بر این که مانعی بر سر راه یادگیری مفاهیم و مقولات دینی دانش آموز گردیده، باعث بوجود آمدن تأثیرات نامطلوب در ذهن دانش آموز نسبت به دین و تربیت دینی گردیده است. اگر معلم در کلاس دینی از شیوه های اقتدارگرایانه و ارباب کننده کمتر استفاده نماید یا اصلاً استفاده ننماید و از طرف دیگر فضایی را در کلاس بوجود آورد که در آن فضا دانش آموز بتواند آزاد فکر کند آزاد سؤالات دینی خود را مطرح نماید و آزاد به تبادل افکار و عقاید با دیگران بپردازد؛ همچنین به جای استفاده از روش های مستقیم در جریان تربیت دینی دانش آموزان که از کارآمدی بالایی برخوردار نیستند از روشهای غیر مستقیم مانند روش الگویی و عملی استفاده نماید، می توان به موفقیت در فرایند تربیت دینی دانش آموزان امیدوار بود. (ملکی، ۱۳۷۹)

درمجموع، کسانی که شرح صدر ندارند، بر خود تسلط ندارند و هنگام سخن گفتن دچار لکنت زبان می شوند و نمی توانند واژه های مناسب به کارگیرند. با سلاح شرح صدر است که می توان حقایق را به دیگران فهماند و زمینه هدایت و تربیت دیگران را فراهم ساخت. تجربه ثابت کرده است که معلمان و مربیانی که از نظر روحی کم ظرفیت هستند و شرح صدر ندارند، با دیدن کوچک ترین حرکات زننده ای از دانش آموزان، زود عصبانی می شوند و با جدال و بگو و مگوهای غیرضروری، افزون بر هدر دادن وقت کلاس و توان دانش آموزان، سبب افزایش جسارت دانش آموز خطاکار می شوند. از سوی دیگر، خود معلم نیز، تمرکز و توان کافی برای ادامه تدریس را از دست می دهد، درحالی که می توانست با اندکی شرح صدر مشکل را هم برای خود و هم برای دیگران، آسان کند (صادقی و اشرفی، ۱۳۹۵).

ویژگی های عام که باید در وجود تمام معلمان و آموزگاران به خصوص معلم تربیت دینی باشد تنها به ذکر همین موارد محدود نمی شود، بلکه خصایص بسیار دیگری نیز وجود دارد که یک معلم برای تبدیل خود به یک آموزنده موفق و برای تربیت شاگردان خود به نحو احسن، به آن ها نیاز دارد و تا اینجا به برخی صفات اعلی و مهم تر اشاره شد.

۲- ویژگی های خاص

تا اینجا ویژگی ها و خصائص عام که نه تنها معلم تربیت دینی بلکه تمامی معلمان و آموزگاران برای دستیابی به اهداف و تحقق آرمان هایشان باید از آن برخوردار باشند بررسی و بیان شد؛ اکنون به ویژگی خاص معلم تربیت دینی در فرایند تربیت و آموزش پرداخته شده است. بیان لفظ «خاص» برای این صفات تنها به این معنا نیست که مطلقاً در معلمان دیگر وجود ندارد؛ بلکه بدین معناست که لازمه آموزش مفاهیم و آموزه های دینی توسط معلم، ایجاد، حفظ و پرورش این خصائص در اوست تا بتواند عمل تربیت دینی را به نحو احسن انجام داده و مسئولیت این امر مهم را بر عهده بگیرد. در ادامه به برخی از این ویژگی ها اشاره شده است:

۱-۲ آموزش و شناسایی معارف دین

امام صادق (ع) فرموده اند: «من قرا القرآن و هو شباب مومن اختلط القرآن بلحمده و دمه»؛ آن وجود شریف به خوبی تبیین می فرماید: اگر آموزه های دینی و قرآنی در جوانی در ذات و گوهر وجودی نوجوان قرار گیرد، آن گونه نهادینه و تثبیت می شود که در گوشت و خون جوان آمیخته می گردد، آمیختگی که به دنبال آن ثبات در دین و پایداری در ایمان را به دنبال دارد

از نخستین صفات در تربیت دینی جوان، آشنا کردن او با وظایف دینی با استفاده از آموزه های دینی است. معلم به جهت اینکه مستعدترین افراد به لحاظ ذهنی و پاک ترین آنها به لحاظ قلبی و روحی و عاطفی، یعنی کودکان دوره های ابتدایی، نوجوانان و جوانان دوره های متوسطه را در اختیار دارد؛ و همچنین به دلیل اینکه بیشترین وقت بچه ها را در اختیار دارد و مهمتر از همه عهده دار آموزش و تعلیم آنان است، می تواند نقش بسیار ممتازی در تربیت دینی آنها ایفا نماید. او می تواند از فرصت های متعددی که در حین درس دادن برایش فراهم می شود، استفاده کرده و عقاید اسلامی را درست تبیین و باورهای نادرست و خرافاتی را که در اذهان بچه ها از طریق خانواده، یا محیط بیرون نقش بسته، از اعتقادات اسلامی جدا کند.



قبل از آلوده شدن دل و درون باید حقایق دینی را آموزش داد؛ ابتدا باید عقاید و افکار صحیح به فرزند آموزش داده شود. اگر تعلل شود و این مهم به تأخیر افتد، دل جوان به عقاید انحرافی آلوده می گردد و اصلاح کردن وی زحمتی دو چندان می طلبد (طاهایی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱) حضرت علی (ع) به فرزندشان امام حسن (ع) می فرمایند: «و آن ابتدئک بتعلیم کتاب الله عز وجل و تأویله، و شرایع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه»؛ «پس در آغاز تربیت تصمیم گرفتیم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را به همراه تفسیر آیات به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام به تو تعلیم دهم (نهج البلاغه، نامه ۳۱، فراز ۳۸).

کمترین ثمره ی تربیت مذهبی جوانان این است که رفتار متقابل، جوان را بر اساس الگوهای قرآن می سازد و اصطکاک در خانواده نیز کمتر به وجود می آید. جوانانی که می خواهند با سجایای اخلاقی و صفات انسانی پرورش یابند و درخشان ترین شخصیت معنوی را احراز کنند؛ جوانانی که مایلند در حالت عادی و مواقع بحرانی همواره بر تمایلات نفسانی خویش حاکم باشند و دوران عمر را با پاکدامنی و درستکاری بگذرانند، باید از دوران بلوغ به ندای فطرت ایمانی و وجدان اخلاقی خود گوش دهند و از زمانی که تمایل به مذهب به طور طبیعی در ضمیرشان بیدار می شود با فرا گرفتن عقاید و سجایای اخلاقی و بکار بستن برنامه های عملی مذهبی، پیمان روحی خود را با خداوند محکم کنند. (طاهایی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۲)

شهید مطهری در این مورد می گوید: «افرادی مانند من که با پرسش های مردم در باره ی مسائل مذهبی مواجه هستیم، کاملاً این حقیقت را درک می کنیم که بسیاری از افراد تحت تلقینات پدران و مادران جاهل و مبلغان بی سواد افکار غلطی در زمینه ی مسائل مذهبی در ذهن شان رسوخ کرده است و همان افکار غلط اثر سوء بخشیده و آنها را در باره ی حقیقت دین و مذهب دچار تردید و احیاناً انکار کرده است؛ از این رو، کوشش فراوانی لازم است صورت بگیرد که اصول مذهبی به صورت صحیح و واقعی خود به افراد تعلیم و القا شود» (مطهری، ۱۳۷۶-ص ۴۸) از نظر ایشان، گرچه اسلام دینی حیات بخش است؛ اما آموزش گزاره های مبتنی بر شناخت نادرست از دین، این خاصیت را از آن گرفته و اسلام را به عاملی برای سکون و عدم تحرک و بی خبری تبدیل کرده است. (همان)

کودکان به خاطر حس کنجکاوی پرسش های فراوانی راجع به مسائل مختلف از جمله مسائل دینی دارند که ممکن است به پاسخ قانع کننده ای دست نیافته باشند و یا با پاسخ های غلطی که از والدین و یا کسانی دیگر دریافت کرده اند، عقایدی نادرستی پیدا کرده باشند. معلم دینی می تواند با اطلاعات و دانش دینی خود و تفکیک مسائل دینی از غیر آن، عقاید آنها را پالایش کند و در فرصت های مناسب به تبیین معارف دین بپردازد.

۲-۲ ایمان آفرینی

بعد از اینکه معلم موفق شد به دانش آموزان شناخت درستی نسبت به معارف دینی بدهد، باید بتواند این شناخت های ذهنی را به باورهای قلبی تبدیل کند. در این ویژگی معلم باید با شناسایی دقیق موانع ایمان از یکطرف و درک روحیه دانش آموزان از سوی دیگر، تدبیرهایی را برای از میان برداشتن آن موانع بیندیشد و زیرکانه و ماهرانه آنها را اجرایی نماید. این قسمت از کار بسیار مشکل است و معلمان می توانند از روش پیامبران و امامان برای موفقیت نسبی در این وظیفه ی سنگین و خطیر، و همچنین برای درک بهتر روایات دانش آموزان از دستاوردهای روان شناسان، کمک بگیرند. به طور مشخص اقدامات زیر می توانند برای ایمان آفرینی خیلی مؤثر باشند:

الف) تقویت روحیه ی حق گرایی (بیدار کردن فطرت الهی): انسان فطرتاً حق گراست و لذا قرآن کریم پذیرش دین را لازمه ی حق گرایی می داند: «حق گرایانه به دین رو آور که مقتضای فطرت الهی است که خداوند مردم را بر آن آفریده و در آفرینش خدا هیچ تغییری راه ندارد» (روم، ۳۰). این فطرت حق گرایانه ای که در انسان وجود دارد، گاهی نیازمند به فعلیت رساندن است، مانند فطرت انسان در دوره ی کودکی و نوجوانی و احیاناً جوانی؛ گاهی نیازمند احیاء مجدد. دومی در مورد انسان هایی صادق است که بر اثر برخی عوامل منفی مانند وسوسه های شیطانی فطرت شان زیر انبوهی از گناهان مدفون شده است.

معلمان مکاتب با افرادی سروکار دارند که فطرت شان پاک است، منتهی به مرحله ی فعلیت نرسیده است. این افراد چون تا هنوز فطرت شان تحت تأثیر عوامل منفی قرار نگرفته یا کمتر قرار گرفته، برای پذیرش حق خیلی مستعدتر از افراد میان سال و بزرگسال هستند. معلمان می توانند با بیدار کردن این فطرت های پاک و مستعد و به فعلیت رساندن آنها ایمان آفرینی کنند.

اینکه چگونه می شود فطرت این افراد را بیدار و به مرحله فعلیت رساند، به نظر می رسد بهترین روش آن است که خداوند در قرآن کریم به کار برده است. خداوند در قرآن برای تقویت روحیه حق گرایی و جلوگیری از تأثیر عوامل منفی، انسان ها را از ماهیت روحیه ی حق گرایی و چگونگی تأثیرپذیری آن از شرایط بیرونی آگاه کرده است. این آگاهی از یکسو، باعث می شود خود انسان در برابر عوامل منفی، اعم از درونی و بیرونی، موضع گیری کند و مانع تأثیر آنها شود. از سوی دیگر، باعث می شود انسان در ارزیابی اعمال و رفتار خود به این موضوع توجه بیشتری نماید. (داوودی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۲)



همچنین روش انبیاء به ویژه رفتار پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) می‌تواند به معلمان در بیدار کردن فطرت کمک نماید، چون اینها مؤثرترین روش‌شان برای هدایت، بیدار کردن و احیاء مجدد فطرت‌ها بوده است.

ب) تقویت قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل: یکی از مشکلاتی که بر سر راه کار معلمان در امر تربیت دینی دانش‌آموزان وجود دارد این است که ممکن است، دانش‌آموزان در تعارض میان گفته‌های معلم و آنچه که در محیط بیرون از مدرسه به آنها القا می‌شود، گرفتار شود. در این وضعیت اگر دانش‌آموز قدرت تحلیل و تفکر داشته باشد، به راحتی می‌تواند مسأله را تجزیه و تحلیل کند و حق را از باطل براساس آموخته‌هایش تشخیص دهد. اما اگر فاقد چنین قدرتی باشد، این امکان وجود دارد که تسلیم گفته‌های دیگران شود. این دیگران می‌توانند خانواده و بستگان او یا شبهه افکنان و مخالفان دین باشند و یا رسانه‌های صوتی و تصویری و مطبوعات. نمونه‌ی این را در قرآن داریم: «روزی که چهره‌های‌شان را در آتش زیرورو می‌کنند، می‌گویند: ای کاش از خدا و پیامبر پیروی کرده بودیم و می‌گویند: پروردگارا! بزرگان و سروران خویش را پیروی کردیم و گمراه‌مان کردند. پروردگارا! آنان را دوچندان عذاب ده و لعنت‌شان کن لعنت بزرگ» (احزاب، ۶۶-۶۸). «هرگاه به آنان گفته می‌شد از آنچه خداوند فرو فرستاده پیروی کنید، می‌گفتند: نه، از سنت‌های پدران‌مان پیروی می‌کنیم؛ آیا حتی اگر پدران‌شان تعقل نمی‌کردند و بر هدایت نبودند (باز از آنها پیروی می‌کردند)» (بقره، ۱۲۰). اگر این افراد قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل داشتند، از بزرگان‌شان پیروی کورکورانه نمی‌کردند تا دچار بدبختی شوند.

این مطلب در مورد پیروی مردم از افراد و طبقات متنفذ جامعه نیز صادق است؛ از آنجا که این افراد در زمینه‌هایی خاص از زندگی، موفقیت را در آغوش گرفته و مقام و موقعیت اقتصادی و اجتماعی ممتازی به دست آورده‌اند، دیگران می‌پندارند همه‌ی بینش‌ها، نگرش‌ها، باورها و رفتارهای آنان درست است؛ از این رو، می‌کوشند در تمام زمینه‌ها از آنان پیروی کنند. (داوودی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴)

بنابراین، در اینگونه موارد قدرت تعقل و تفکر است که به کمک افراد می‌آید و گر نه احتمال لغزش خیلی بالا می‌رود. شاید به همین دلیل است که قرآن مردم را دعوت به تعقل و تدبیر و تفکرمی‌کند (بقره، ۴۴، ۷۳، ۷۶، ۲۴۲؛ آل عمران، ۶۵، ۱۱۸؛ و ...).

۳-۲ تسلط به شیوه‌ی مناسب در بیان آموزه‌های دینی

معلم باید سعی کند آموزه‌های دینی را ساده، رسا و جذاب برای دانش‌آموزان بیان کند به گونه‌ای که اولاً آنها بفهمند که معلم چه می‌گوید و ثانیاً از شنیدن آن احساس خستگی نکنند. اگر معلم مثلاً در خداشناسی تنها به بیان دلایل فلسفی اثبات وجود خدا و صفاتی مانند توحید و قدرت خدا بپردازد، یقیناً خسته کننده خواهد بود و دانش‌آموزان شاید برای گرفتن نمره، این دلایل را در حافظه‌ی ذهن‌شان بسپارند ولی این سپرده‌ها هیچ وقت تبدیل به ایمان و اعتقاد قلبی نمی‌شود، چون از روی میل و رغبت و شوق کسب نشده‌اند. معلم باید استدلال‌های فلسفی را در قالب مثال‌های ساده و همه‌کس فهم طوری بیان کند که معلم همانجا نه تنها کاملاً تفهیم شود، بلکه پایه‌های اعتقادی‌اش نسبت به آن موضوع نیز شکل بگیرد. همچنین معلم باید از مطرح کردن مباحث پیچیده و دور از فهم دانش‌آموز اجتناب ورزد. در این مورد نیز مطالعه سیره‌ی انبیاء و معصومان می‌تواند برای معلمان راهگشا باشد.

در فرایند تعلیم و تربیت دینی برای تحقق هدف‌ها باید از روش‌های مناسب تربیتی استفاده نمود، روش‌هایی که در آنها شرایط، هدفها و ویژگی‌ها و شرایط متریبان و ویژگی‌های محتوای آموزشی لحاظ شده باشد. بنابراین روش‌های مورد استفاده در فرایند تعلیم و تربیت دینی باید توانایی محقق نمودن اهداف تربیت دینی را داشته باشد و توانایی انتقال مفاهیم و هدف‌های موجود در محتوا را به فراگیران داشته باشد. از طرف دیگر از درجه تناسب لازم با شرایط و ویژگی‌ها و توانایی‌های گوناگون متریبان برخوردار باشند؛ یعنی این توانایی را داشته باشد که در متریبان شور و علاقه نسبت به یادگیری مطالب و مفاهیم دینی را به وجود آورند. (احمدی، ۱۳۸۴)

۴-۲ آمادگی قبلی برای پاسخ مناسب به پرسش‌ها و شبهه‌های دینی

شاخصه‌ی تربیت دینی و علمی مردم، پاسخ‌گویی به پرسشهای آنان است. امام علی (ع) خطاب به قثم بن عباس می‌فرماید: «اما بعد هر بامداد و شامگاه بر ایشان (مردم) به مجلس بنشین و کسی را که در امری فتوا خواهد فتوا ده» (نهج البلاغه، نامه ۶۷).

در مقاطع سنی به دلیل ویژگی‌ها و شرایط خاص خود می‌تواند آستان آسیب‌ها و بحران‌های متعددی در نزد نوجوانان و جوانان باشد. بحران‌هایی که فکر و ذهن نوجوان و جوان را به خود مشغول نموده و باعث تقویت، تضعیف و تغییر گرایش‌ها و اعتقادات او می‌گردد؛ بحران‌هایی مانند بحران کنجکاو، شک و تردیدهای مذهبی، گرایش به الگوپذیری از الگوهای واقعی یا غیر واقعی، از مهم‌ترین بحران‌های این دوره می‌باشد. ظهور و بروز این بحران‌ها در نزد نوجوان و جوان نشان‌دهنده‌ی اهمیت فوق‌العاده این دوره و نقش حساس مربیان (والدین و معلمان) در فرایند تربیت دینی جوانان و نوجوانان می‌باشد (همت بناری، ۱۳۸۰).



گاهی برای دانش آموزان پرسش ها و شبهه هایی مطرح می شوند و یا کسانی دیگر در ذهن آنان شبهه ایجاد می کنند، معلم باید اولاً این فضا را ایجاد کند که دانش آموزان به راحتی بتوانند سؤالاتشان را مطرح کنند و ثانیاً پاسخ مناسب بدهد. پاسخ مناسب از دو حال خارج نیست: یا معلم جواب آن پرسش را می داند، در این صورت باید با متانت و بردباری پاسخ دهد؛ یا نمی داند که در این صورت باید این شهامت را داشته باشد که صراحتاً بگوید نمی دانم و سعی می کنم با مطالعه یا پرسیدن از دیگران بیابم و برای شما بیان کنم. بنابراین معلم دینی خوب معلمی است که آمادگی برای پاسخ به هرگونه پرسش و شبهه ای از سوی متعلمان خود داشته باشد و از قبل در صدد پرورش این استعداد و توانایی در وجود خود بوده باشد.

۵-۲ هماهنگی در رفتار و رفتار

در فرایند تربیت دینی بدینجا رسیدیم که معلم، معارف اسلامی را درست به دانش آموزان شناسانده و سپس آن معرفت های ذهنی را به شناخت های قلبی و اعتقاد تبدیل نموده، حالا زمان آن فرا رسیده که آخرین مرحله از تربیت دینی را که عمل براساس اعتقاد باشد، نهادینه کند. در این مرحله که تربیت به کمال خود می رسد، نیز معلم نقش بسیار تعیین کننده ای دارد. معلم دینی با روح و روان دانش آموزان سروکار دارد. اعتقادات هر کسی عامل اصلی اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی اوست و معلم دینی، شخصی است که این اعتقادات را در ذهن دانش آموز شکل می دهد. معلم دینی که به منزله نماینده دین در کلاس حاضر می شود، با ذره بین دقیق دانش آموزان مورد آزمایش قرار می گیرد و به طور غیر مستقیم، رفتار او به دین نسبت داده می شود. دانش آموزی که از معلم خود معرفت دینی کسب کرده و توسط او معرفتش را تبدیل به باور قلبی نموده، حالا به معلمش به عنوان یک الگو نگاه می کند تا مانند او رفتارش را در چارچوب اعتقاداتش قرار دهد. اگر ببیند معلمش دقیقاً به آنچه که گفته عمل می کند، این دانش آموز نیز در اعتقاداتش پابرجا می ماند و سعی می کند رفتارش را مطابق با اعتقاداتش نماید. اما اگر ببیند معلمش خلاف گفته هایش رفتار می کند، این متعلم ضمن اینکه در اعتقادات خود دچار تردید می شود، در مقام عمل نیز انطباق عمل با عقیده برایش مهم نخواهد بود. از امام علی (ع) روایت شده: «کسی که خود را در جایگاه راهنما و معلم دیگران قرار می دهد، باید پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود بپردازد و در مقام تربیت دیگران، پیش از تربیت به زبان به تربیت با عمل همت گمارد. (مجلسی، ج ۲، ص ۵۶)

به عنوان مثال، فرض کنید معلم به دانش آموزش یاد داده که یکی از واجبات در دین مقدس اسلام نماز است. با تدابیری که اتخاذ کرده موفق هم شده این آموزه را در درون کودک به عنوان یک عقیده قلبی نهادینه کند و تأکید هم کرده که این نماز را بهتر است اول وقت بخواند. حالا اگر دانش آموز ببیند که هر وقت اذان گفته می شود، معلم کارش را رها کرده سراغ نماز می رود، این دانش آموز نیز الگو برداری نموده و از این طریق یاد می گیرد که چگونه باید مطابق عقایدش رفتار کند. اما اگر معلم نسبت به نماز بی تفاوت باشد، این دانش آموز نیز ضمن اینکه در عقایدش دچار تردید می شود و یک نوع تناقضی بین گفته ها و کردارهای معلم احساس می کند، در نماز خواندن جدیت لازم را نشان نمی دهد و کم کم عمل برخلاف عقیده برایش یک امر عادی می شود.

کودک با پذیرش رفتارهای معلم به عنوان الگو و سرمشق، هویت اجتماعی متزلزل خویش را استحکام می بخشد. اگر شخصیت معلم دارای صفات انسانی از قبیل مهرورزی، نوع دوستی، درستکاری، همکاری، خویشن داری و ایمان باشد، طبعاً تقلید چنین ویژگی هایی، سلامت روانی کودک را تضمین خواهد کرد. ولی اگر شخصیت معلم دچار اختلال و نابسامانی باشد، یعنی رفتارهایی خلاف هنجارهای فرهنگی و اجتماعی از او سر زند یا فاقد صفات انسانی باشد، در چنین وضعی همانندسازی کودک با معلم، حاصلی جز رفتارهای ناهنجار و اختلالات نخواهد داشت. (عظیمی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۱)

بنابراین معلم به عنوان الگوی در دسترس دانش آموز، نقش بسیار حساسی در رفتار او دارد. این برای آغاز کار بود. برای تداوم کار نیز رفتار معلم و تذکرهای او به دانش آموز مفید خواهد بود. در نظام تعلیم و تربیت اسلامی معلم مسئول تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می آید و مسئول تمام انسانهایی است که زیر دست او باید تربیت بشوند. معلم اگر خودسازی کند و تهذیب نفس نماید و حاکم بر خود باشد، افراد یک جامعه صالح و صالحه خواهند بود و اگر خدای ناخواسته معلم تربیت دینی نداشته باشد سبب انحراف نسلها و عصرها می گردد و جامعه ای را به خرابی میکشاند همه سعادت ها و شقاوت ها از مدرسه هاست و کلیدش به دست معلم است و این موضوع حکایت گر جایگاه خطیر و بسیار مهم معلم و مربی است. (علاء الدین، ۱۳۸۸، ص ۲۳)

نتیجه گیری

این پژوهش به منظور بررسی ویژگی ها و صفات معلم تربیت دینی از منظر اسلام به روش مطالعه و تحقیق کتابخانه ای و انجام شد. یافته های پژوهش در دو قسمت ویژگی های عام و ویژگی های خاص معلم تربیت دینی توضیح داده شد. نتایج بررسی ها نشان داد که مهم ترین ویژگی های عام معلم تربیت دینی شامل:



- ۱- منزلت و شخصیت والا: معلمی ارجمندترین مشاغل است و نباید این ارزشمندی را با سنج‌های مادی و عادی سنجید. معلم نه فقط خود باید ارجمند باشد بلکه بکوشد به نگاه جامعه نیز احترام بگذارد
- ۲- خلوص نیت: لازمه توفیق در عرصه تعلیم، خالص بودن نیت است و یک معلم شایسته در آموزش متعلمین خود فقط و فقط به خاطر خدا انجام وظیفه می کند که نتایج بصیرت و نورانیت دل، خضوع تمام ماسوی الله در برابر انسان مخلص، کفایت امر و درمانده نشدن در کارها و بالا رفتن اعمال و قبولی آن را در پی دارد.
- ۳- صلاحیت علمی: کسی که می خواهد عهده دار منصب تعلیم گردد باید قبلاً مراتب صلاحیت و شایستگی خویش را برای تصدی چنین مقامی در خود فراهم آورد. و باید این شایستگی، در تمام مظاهر وجود او پدیدار باشد. مربی اگر فاقد معلومات لازم و کافی باشد به متریبان و افراد جامعه زیان می رساند و حتی آنان را در معرض اشتباه و لغزش های تربیتی و علمی قرار می دهد
- ۴- ادامه تحصیل و تداوم یادگیری: یکی از ملزومات معلمی در ارتباط با محتوا و مواد درسی، « به روز » بودن اطلاعات علمی معلم می باشد. بنابراین برای تمام دبیران و معلمان، به خصوص دبیر دینی، برای تحقق اهداف آموزشی خود باید به معلومات و اطلاعات دینی و غیر دینی خود اضافه کرده و در هر زمان در حال یادگیری مداوم باشد.
- ۵- فروتنی و بی تکلف بودن: یکی از نکاتی که برای معلم لازم است و حکایت از شخصیت سالم او دارد، فروتنی و داشتن رفتار صحیح در برخورد با یادگیرنده است؛ رعایت احترام متعلم و برخورد متواضعانه با او و عدم تکبر و غرور معلم، درس عملی مهمی است که او به یادگیرنده می دهد.
- ۶- عشق به تعلیم و تربیت: یک معلم خوب عاشق کار خودش است و چون تعلیم و تربیت را یک کار مقدس و الهی می داند به بهترین شکل ممکن و متعهدانه آن را انجام می دهد. علاوه بر عشق و علاقه به تدریس، معلم موفق و برتر دروسی را که تدریس می کند را هم با علاقه انتخاب می نماید.
- ۷- سعه صدر: شکیبایی و داشتن سعه صدر از دیگر خصوصیات هدایتگران و معلمان است. از ویژگی های شخصیتی معلم که بر جریان تربیت دینی فراگیران تأثیر می گذارد، «میزان و نحوه تعصب معلم نسبت به دین و امور دینی» می باشد. در فرایند تربیت دینی مربی باید از هر گونه افراط و تفریط در تعصب نسبت به مفاهیم و معارف دینی پرهیز نماید و همواره سعه ی صدر داشته باشد.
- این صفات باید در وجود تمام معلمان و آموزگاران نهادینه شده باشد؛ ویژگی های خاص یک معلم تربیت دینی شامل: آموزش و شناسایی معارف دین، ایمان آفرینی، تسلط به شیوه مناسب در بیان آموزه های دینی، آمادگی قلبی برای پاسخ مناسب به پرسش ها و شبهات دینی و هماهنگی در گفتار و رفتار می باشد که باید معلم دینی آن ها را دارا باشد.
- معلمان و دبیران تربیت دینی در دوره ها و مقاطع مختلف برای کامیابی و تحقق در اهداف و آرمان های آموزشی و تربیتی خود باید این ویژگی و خصائص را داشته باشند و در پی پرورش و توسعه مداوم آن ها بکوشند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

احمدی، سید احمد (۱۳۸۴)، اصول و روش های تربیت در اسلام، چاپ پنجم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

القرطبی، شمس الدین، تفسیر القرطبی، دار احیاء التراث العربی: بیروت، جلد ۵.

باواخانی، آزاده و میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۹۴)، آسیب شناسی تربیت دینی در برنامه درسی دوره متوسطه از منظر معلمان و دانش آموزان، کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در علوم تربیتی و روان شناسی و آسیب های اجتماعی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین و مرکز مطالعات و تحقیقات.

بانکی پور فرد، امیرحسین و محققیان، زهرا (۱۳۹۳)، الگوی اخلاق حرفه ای در تدریس بر اساس روش حضرت خضر(ع) در قرآن کریم، فصل نامه اخلاق زیستی، ۴(۱۴).

حجتی، سیدمحمد باقر (۱۳۶۵)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حجتی، سیدمحمد باقر (۱۳۶۹)، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی: بیروت، جلد ۱۷.

خمینی، سید روح الله (۱۳۷۱)، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد هشتم، چاپ اول، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

داوودی، محمد و اعرافی، علی رضا (۱۳۹۴) سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع): تربیت دینی، جلد دوم، چاپ ۱۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

داوودی، محمد (۱۳۸۴)، نقش معلم در تربیت دینی، ج ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



- دشتی، محمد (۱۳۸۹)، ترجمه نهج البلاغه، قم: همگرا.
- رهنمایی، سید احمد (۱۳۷۰) ماهنامه معرفت، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم: جلد ۳۴.
- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، دین گریزی چرا؟ دین گرایی چه سان؟ قرآن و نظام تربیتی نسل نو، چاپ چهارم، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۶)، دنیای نوجوان، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات منادی تربیت.
- شیخ الاسلامی، سیدحسن (۱۳۸۲)، گفتار امیرالمومنین علی علیه السلام، همراه با ترجمه فارسی هدایه العلم و غرر الحکم، قم: انصاریان.
- صافی، احمد (۱۳۹۵)، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: سمت.
- صادقی، ملیحه و اشرفی، عباس (۱۳۹۵)، احساس مسئولیت معلمی در تعلیم و تربیت، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۲ (۲).
- طاهایی (خاموشی)، فاطمه (۱۳۸۹)، رهنمودهای تربیت دینی، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- علاء الدین، سید محمدرضا (۱۳۸۸)، جایگاه، نقش و رسالت معلم و مربی از دیدگاه قرآن و روایات، فصلنامه قرآنی کوثر، ۳۲.
- عظیمی، سیروس (۱۳۶۹)، روان شناسی کودک، ج ۱، تهران: انتشارات معرفت.
- فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۹۷)، اصول برنامه ریزی درسی، تهران: ایران زمین.
- قرائتی، محسن (۱۳۹۴)، درس هایی از قرآن، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- کهوکه، غلامعلی (۱۳۸۴)، ویژگی های مربی در اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه قم.
- مظاهری، حسین (۱۳۷۱)، ویژگی های معلم خوب، قم: مرکز تربیت معلم آیت الله طالقانی.
- محمودی ری شهری، محمد (۱۳۲۵)، منتخب میزان الحکمه، سید حمید حسینی، قم: دارالحديث، ۱۳۸۰، چاپ دوم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی: بیروت، جلد ۷۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، سیری در سیره نبوی، قم: صدرا.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹)، مبانی برنامه ریزی درسی آموزش متوسطه، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، امداد های غیبی در زندگی بشر، تهران: صدرا.
- نقدی آستمال، ظریفه (۱۳۹۶)، بررسی نقش معلم بر تربیت اخلاقی و دینی دانش آموزان ابتدایی بر اساس تعالیم مقدس اسلامی، پنجمین کنفرانس بین المللی رویکردهای پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت.
- نراقی، ملامحمد مهدی (۱۲۰۹ق)، جامع السعادت، موسسه اعلمی، جلد ۳.
- نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۸)، آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان، همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، مقالات برگزیده، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نفیسی، عبدالحسین (۱۳۷۶)، آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰ (مجموعه اول)، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۶)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، چاپ بیستم، تهران: انتشارات طهوری.
- همت بناری، علی (۱۳۸۰)، نگاهی به عوامل آسیب زای تربیت دینی نوجوانان و جوانان، مجموعه مقالات تربیت اسلامی ۶ (ویژه آسیب شناسی تربیت دینی) چاپ اول، تهران: تربیت اسلامی.